

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درس پنجم

فصل اول: پیش درآمدی بر شناخت سیره معصومین علیهم السلام

فصل دوم: اصول حاکم در سیره اهل بیت علیهم السلام

فصل سوم: دسته بندی سیره اهل بیت علیهم السلام

اول: سیره عبادی

دوم: سیره فردی

سوم: سیره معاشرتی

الف) خانواده

ب) عموم مردم

۱- سیره ی گفتاری

- نیکو سخن گفتن

- سلام کردن

- پرهیز از دشنام و لقب زشت دادن

- پرهیز از بلند کردن صدا

- پرهیز از پر حرفی

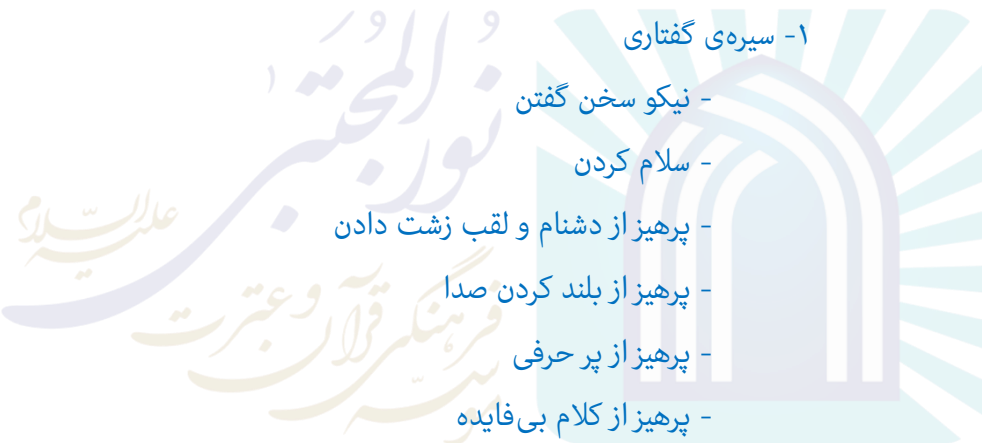
- پرهیز از کلام بی فایده

۲- سیره ی رفتاری

- رفق و مدارا

- انصاف

- صداقت و امانتداری



سیره معاشرتی:
ب) عموم مردم:

شیوهی برخورد با مردم و تعامل با قشرهای گوناگون از محورهای است که در سیره‌ی معصومین قابل توجه و تأمل است. از آن جایی که پیامبر گرامی اسلام و ائمه‌ی معصومین تجسم اخلاق قرآنی هستند، طبیعتاً تعامل و برخورد آن‌ها با مردم هم برگرفته از آیات قرآن است. قرآن کریم در سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران، آیه‌ی ۱۵۹، خطاب به رسول خدا می‌فرماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ»، ای پیامبر به برکت رحمت الهی در برابر مردم نرم و مهربان شدی. «لِنْتَ لَهُمْ»، لَین به معنای نرم بودن است. «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ»، اگر خشن و سنگدل بودی، «لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ»، از اطراف تو پراکنده می‌شدند، کسی اطراف تو نمی‌ماند. بعد به صورت کلی سه دستور در برخورد با مردم به پیغمبر اکرم می‌دهد: «فَاعْفُ عَنْهُمْ»، مردم را ببخش، از خطاکاران بگذر. «وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ»، برای آن‌ها طلب مغفرت کن. «وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، آن‌ها را در امور به مشارکت بگیر و با آن‌ها مشورت کن. در جای دیگر می‌فرماید: «وَ إِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»،^۱ پیغمبر، هر وقت آن‌هایی که مؤمن هستند، ایمان به خدا دارند، نزد تو می‌آیند، به آن‌ها «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» بگو. ما داریم اگر جاهل با شما برخورد کرد «وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»،^۲ سلام بگویید، اما این جا «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ» می‌گوید. باز ملاحظه می‌فرمایید که در آیات کریمه‌ی قرآن خطاب به پیغمبر می‌فرماید: «خُذِ الْعَفْوَ»، سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۱۹۹، «خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ»، پیغمبر ببخش، از افراد خطاکار بگذر، ناآگاهان را آگاه کن، از افراد جاهل اعراض کن، دوری کن. تعامل با مردم بسیار مهم است، اسلام یک دین اجتماعی است. شما اگر سوره‌ی حجرات را ببینید چقدر توصیه نسبت به روابط با دیگران وجود دارد. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ».^۳ توصیه به پرهیز از غیبت، تهمت، سوء ظن، بدگمانی، نام بد برای هم گذاشتن. یا اگر ملاحظه بفرمایید در آیات قرآن مکرر سفارش رسیدگی به امور مردم، برخورد درست با مردم، گذشت وجود دارد. این‌ها نکاتی است که باید مورد توجه قرار بگیرد.

۱- سیره‌ی گفتاری:
- نیکو سخن گفتن:

بخش برخورد با عموم مردم در سیره‌ی معصومین را در دو قسمت عرض می‌کنیم، یکی برخورد گفتاری و دوم رفتاری. در برخورد گفتاری آن‌گونه که از قرآن استفاده می‌شود، اگر دوستان کلمه‌ی قول را دنبال کنند، ماده‌ی «قُلْ»، «قولوا»، می‌بینید قرآن کریم در برخورد گفتاری ادب خاصی را سفارش می‌کند. به عنوان مثال می‌فرماید که «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا»، سوره‌ی مبارکه‌ی بقره، آیه‌ی ۸۳، با مردم به نیکو سخن بگویید. این یک دستور کلی است، حُسن و نیکو در گفتار. در جای دیگر می‌فرماید: «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»،^۴ با مردم مستدل و محکم صحبت کنید، این طور نباشد که بی‌پایه و بی‌مبنا صحبت کنید. در جای دیگر می‌فرماید که «هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ».^۵ این آیه را بعضی برای قیامت

۴- سوره‌ی احزاب، آیه ۷۰.

۵- سوره‌ی حج، آیه ۲۴.

۱- سوره‌ی انعام، آیه ۵۴.

۲- سوره‌ی فرقان، آیه ۶۳.

۳- سوره‌ی حجرات، آیه ۱۰.

هم گفته‌اند، ولی برداشت دنیا هم شده است. به سمت حرف‌های پاکیزه، حرف‌های پسندیده بروید. باز خطاب به حضرت موسی، به هارون (علیهم السلام) می‌فرماید: حَتَّىٰ وَاقْتِي مِي رُوِيْدُ بَا فِرْعَوْنَ صَحْبَت كَنِيْد «فَقَوْلًا لَهُ قَوْلًا لَيْتِنَا»^۱. از مجموع این آیات، «سَدِيْدًا»، «حُسْنًا»، «لَيْتِنَا»، «الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ»، «قَوْلًا مَعْرُوفًا»،^۲ «قَوْلًا مَيْسُورًا»،^۳ استفاده می‌شود در گفتار انسان باید این مسئله مورد توجّه قرار بگیرد که انسان کسی را تحقیر نکند، نکوبد، موجب زدگی او نشود.

در روایت دارد پیغمبر گرامی اسلام اگر کسی خطایی می‌کرد هیچ وقت او را با نام صدا نمی‌کرد، می‌فرمود: «مَا بَالُ قَوْمٍ»،^۴ نمی‌فرمود «مَا بَالُ فُلَانٍ»، فلانی نمی‌گفت، می‌گفت گروهی، بعضی از افراد بعضی کارها را انجام می‌دهند. اگر شما ملاحظه بفرمایید، در سیره‌ی ائمه (علیهم السلام) اگر افرادی می‌آمدند جسارت می‌کردند، حتی توهین می‌کردند، امام با تغافل از کنار آن‌ها عبور می‌کرد. گاهی حتی به آن‌ها مهربانی و محبت هم می‌کرد. در حالات امام صادق (علیه السلام) دارد از بغداد می‌آمدند، به قریه‌ای، به روستایی به نام سَالِحِيْنَ رسیدند. دو نفر هم به نام‌های مُرَاْزِمٌ و مُصَادِفٌ همراه ایشان بودند. آن کسی که مأمور بود، در واقع نگاهبان این منطقه و روستا بود، اجازه‌ی ورود امام صادق را نداد، گفت: من اجازه نمی‌دهم شب شده شما وارد روستا شوید.

اصحاب گفتند: آقا، او را بزنیم، ما سه نفر هستیم او یک نفر است، با او برخورد کنیم. فرمود: نه. امام کنار او نشستند، شروع کردند با او با مهربانی صحبت کردند. بعد از مدتی دل او نرم شد، در را باز کرد گفت: آقا وارد شوید. آقا به اصحاب خود فرمودند: «هَذَا خَيْرٌ أَمِ الَّذِي قُلْتُمْ»،^۵ این کار بهتر بود یا کاری که شما می‌خواستید انجام دهید، می‌خواستید درگیر شوید، می‌خواستید برخورد منفی انجام دهید؟ این سیره‌ی معصومین ما در برخورد با مردم است.

- سلام کردن:

نکته‌ی دیگری که باید توجّه شود بحث رفتارهای اجتماعی با مردم است. ما در برخورد با مردم یک معیارهایی را باید رعایت کنیم. یکی همین بحث سلام است، سلام از اسامی خدا است، از ۷۰ ثواب ۶۹ ثواب برای سلام کننده است. سبقت در سلام ثواب ویژه‌ای دارد. رسول خدا فرمود: من دوست دارم چند کار بعد از من سنت شود، یکی سلام کردن به کودکان است، خیلی عجیب است، سلام کردن به صبیان و کودکان. به همین جهت شما ملاحظه می‌فرمایید قرآن کریم می‌فرماید: فرشته‌ها وقتی می‌خواهند سلام بدهند، وقتی می‌خواهند به اهل بهشت تحیت بدهند، می‌گویند: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ».^۶ این صفت که خدا در قرآن بارها به انبیا سلام داده، «سَلَامٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ»،^۷ سلام بر حضرت نوح، سلام بر حضرت ابراهیم، سلام بر حضرت موسی در قرآن کریم، «سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ»،^۸ سلام بر همه‌ی انبیاء.

همین فرهنگ سلام چقدر موجب می‌شود که در دین محبت ایجاد شود. همه به هم سلام کنند، اگرچه اولویت‌هایی داریم. مثلاً قائم بر قائل سلام کند، کسی که ایستاده به کسی که نشسته، وارد بر مورود، کسی که وارد می‌شود به کسی که در خانه است، صغیر بر کبیر، توصیه‌ی به این‌ها داریم، مار بر ساکن، یعنی کسی که حرکت می‌کند به کسی که ایستاده است. ولی در عین حال

۵- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۳۵.

۶- سوره‌ی رعد، آیه ۲۴.

۷- سوره‌ی صافات، آیه ۷۹.

۸- همان، آیه ۱۸۱.

۱- سوره‌ی طه، آیه ۴۴.

۲- سوره‌ی نساء، آیه ۵.

۳- سوره‌ی اسراء، آیه ۲۸.

۴- بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۱۵۶.

یکی از نکات بسیار مهم است، شما در آغاز همه‌ی نامه‌های پیامبر سلام را می‌بینید. حتی قرآن کریم وقتی نامه‌ی حضرت سلیمان را نقل می‌کند موضوع سلام را می‌بینید. این یکی از مواردی است که در برخورد گفتاری است، رعایت ادب در گفتار. پس یکی نحوه‌ی بیان که اشاره شد، یکی سبقت در سلام.

- پرهیز از دشنام و لقب زشت دادن:

نکنته‌ی سوم پرهیز از تحقیر و توهین و دشنام. شما سوره‌ی حجرات را ببینید، «لَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ»،^۱ لقب‌های زشت برای هم نگذارید. یکی از کارهایی که رسول خدا انجام داد، در سیره‌ی ائمه هم بوده، اگر کسی نام بدی داشت عوض می‌کردند. خانمی نزد رسول خدا آمد، حضرت پرسید: اسم تو چیست؟ گفت: عاصیه. نه آسیه که زن فرعون است و زن برگزیده‌ای است. حضرت فرمودند: این اسم را عوض می‌کنیم، جمیله گذاشتند. یا شخصی آمد اسم او عبد العزّی بود، یعنی بنده‌ی بت عزّی. حضرت فرمود: اسم تو را عبد الله می‌گذاریم، بنده‌ی خدا. حتی یک وقت کسی خدمت امام صادق (علیه السلام) آمد، تازه خداوند امام کاظم را به ایشان داده بود، در گهواره بودند. این آقا رفت به بچه‌ی در گهواره سلام کند، امام کاظم در گهواره با این که کودک بود فرمود: اسم دختر خود را تغییر بده. او خیلی تعجب کرد، نامی برای دختر خود گذاشته بود که مناسب نبود. رفت و نام او را عوض کرد، فاطمه گذاشت. در نامگذاری‌ها، در صدا زدن‌ها.

خدا به مردم می‌فرماید: «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»،^۲ وقتی می‌خواهید پیغمبر را صدا بزنید مثل صدا کردن همدیگر نباشد که با نام صدا می‌زنید. خدا در قرآن رسول خود را «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ»،^۳ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ»،^۴ «يَا أَيُّهَا الْمُرْسَلُ»،^۵ «يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ»^۶ می‌گوید، به نام خطاب نکرده است. پس در خطاب کردن و گفتن با دیگران هم باید توجه شود که ۱- نام بد بر هم نگذاریم، ۲- دشنام ندهیم. قرآن کریم می‌فرماید: حتی شما بت‌های مشرکین را سب نکنید. بت چوب و سنگ است، هیچ ارزشی هم ندارد، می‌فرماید: اگر شما سب به بت‌های مشرکین کنید، «لَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ»،^۷ اگر شما آن بت‌ها را سب کنید بت پرست‌ها هم به خدای شما ناسزا می‌گویند.

البته لعن غیر از سب است، سب یعنی ناسزا، لعن یعنی دوری از رحمت خدا. خدا در قرآن خیلی افراد را لعنت کرده، مثلاً ظالمین را، آزار دهنده‌های پیغمبر را. وقتی می‌گوییم خدا کسی را لعنت کند یعنی رحمت خدا از او دریغ داشته شود. ولی سب ناسزا است. حضرت امیر شنیدند دو سه نفر از اصحاب ایشان در صفین دارند سپاه معاویه را سب می‌کنند، ناسزا می‌گویند. حضرت فرمود: این کار را انجام ندهید. زشتی‌های آن‌ها را بگویید، این کار شما بد است، آن کار شما بد است، اما سب در فرهنگ من نیست. این هم یکی دیگر از نکاتی که در برخوردها باید توجه شود. شما ملاحظه بفرمایید افرادی که نزد ائمه می‌آمدند گاهی به امام «جُعِلْتُ فِدَاكَ» می‌گفتند، یعنی جانم به فدای شما، «بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي»، پدر و مادر من به قربان شما. ببینید این نحوه‌ی گفتگو و گفتن با امام و از آن طرف امام با مردم است. به این هم باید توجه شود.

۵- سوره‌ی مزمل، آیه ۱.

۶- سوره‌ی مدثر، آیه ۱.

۷- سوره‌ی انعام، آیه ۱۰۸.

۱- سوره‌ی حجرات، آیه ۱۱.

۲- سوره‌ی نور، آیه ۶۳.

۳- سوره‌ی مائده، آیه ۴۱.

۴- سوره‌ی انفال، آیه ۶۴.

- پرهیز از بلند کردن صدا:

نکته‌ی دیگری که در بحث گفتار وجود دارد - الآن صرفاً ادب گفتاری را عرض می‌کنیم - باید توجه شود پرهیز از فریاد زدن و داد زدن است. قرآن می‌فرماید: صدای خود را از صدای پیامبر بالاتر نیاورید. درست است این در مقابل رسول خدا است، ولی به طور کلی داد زدن، فریاد زدن در منابع ما مذمت شده است، آرام صحبت کردن، شمرده صحبت کردن. امام مجتبی (علیه السلام) می‌فرماید: از دایی خود، ابی هاله، پرسیدم پیغمبر چطور صحبت می‌کرد؟ برای من توصیف کنید. گفت: رسول خدا وقتی صحبت می‌کرد می‌شد کلمات او را شمرد، آن قدر متین و شمرده و منظم صحبت می‌کرد می‌شد حرف‌های او را شمرد، یک، دو، سه، تند صحبت نمی‌کرد، کند صحبت نمی‌کرد. این‌ها نکته‌ی دیگری است که باید رعایت شود.

- پرهیز از پر حرفی:

نکته‌ی بعدی در ادب گفتاری پرهیز از پر حرفی است، اکتار در قول. ائمه‌ی ما خیلی روی این قصه تأکید داشتند. وقتی کسی خیلی صحبت می‌کرد امام باقر فرمود: «إِنَّ اللَّهَ بَعَثَ أَنْبِيَاءَهُ بِالْكَلامِ»، کلام سلاح انبیا است.

خدا انبیا را با این سلاح فرستاده است. یعنی چرا این قدر زبان را به حرف‌های بی‌ربط می‌گشایید؟ باز کسی نزد امیرالمؤمنین خیلی صحبت می‌کرد، آقا فرمودند: این مطالبی که تو می‌گویی داری املا می‌گویی، فرشته‌ها می‌نویسند، خدا هم می‌خواهد مطالعه کند، بخواند. گاهی اوقات خود انسان اگر یک ضبط بگذارد حرف‌های خود را ضبط کند خجالت می‌کشد گوش بدهد. پرهیز از پر حرفی نکته‌ی مهمی است. لذا فرمودند: خدا چند کمی را دوست دارد. یکی کم حرف زدن. یکی کم خوابیدن است، یکی کم خوردن است. يُحِبُّهُ اللَّهُ قِلَّةَ الْكَلَامِ وَ قِلَّةَ الْمَنَامِ وَ قِلَّةَ الطَّعَامِ ثَلَاثَةٌ يُبْغِضُهَا اللَّهُ كَثْرَةُ الْكَلَامِ وَ كَثْرَةُ الْمَنَامِ وَ كَثْرَةُ الطَّعَامِ^۱ بعضی کم‌ها خوب هستند، بعضی زیاده‌ها خوب هستند. علم، «رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا»،^۲ هر چه بیشتر بهتر. انفاق، «سَابِقُوا»، «سَارِعُوا»، هر چه بیشتر بهتر. نماز، ذکر، «ذِكْرًا كَثِيرًا»،^۳ هر چه بیشتر بهتر. حج، انسان کثیر الحج باشد، «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي مَقَامِي هَذَا وَ فِي كُلِّ عَامٍ»، هر سال انسان بتواند برود، این‌ها خوب است. بعضی دعاها، مثلاً در روایت داریم این دعا را زیاد بخوانید. ولی بعضی چیزها کم خوب است، خوردن، خوابیدن، روابط زناشویی، صحبت کردن، چون هر کدام از این‌ها مضراتی دارد.

- پرهیز از کلام بی‌فایده:

نکته‌ی پایانی در ارتباط با بحث مربوط به گفتار، مسئله‌ی مهمی تحت عنوان پرهیز از ما لا یعنی است. ما لا یعنی غیر از پر حرفی است، یعنی حرف‌های بیهوده، حرف‌های غیر مفید، غیر مقصود. گاهی انسان ۱۰ جمله یا ۱۰ کلام می‌گوید دو جمله مفید است، سه جمله مضرات، پنج جمله نه مفید است نه مضرات، به این‌ها ما لا یعنی می‌گویند. لذا در روایت هم داریم از این‌ها زیاد پرهیز کنید، یعنی کلامی که فقط وزر و وبال و دردسر و وقت‌گیری است. این هم آخرین نکته.

پس نتیجه می‌گیریم در ارتباط با عموم مردم، الآن بحث ما قشر خاصی هم نیست، عموم مردم. توصیه شده است در گفتار، سدید و لئین و بلیغ و معروف و میسور و پاکیزه و نیکو باشید، این ویژگی‌های سخن است. پرهیز از دشنام و تحقیر و استهزاء و

۳- سوره‌ی احزاب، آیه ۴۱.

۱- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۱

۲- سوره‌ی طه، آیه ۱۱۴.

دست انداختن و نام بد گذاشتن داشته باشیم، نام دیگران را با احترام ببریم، اسم بد نگذاریم، در سلام سبقت بگیریم. اینها اموری است که راجع به سیره‌ی معصوم در گفتار وجود دارد.

۲- سیره‌ی رفتاری:

اما بخش دوم سیره‌ی رفتاری است که بسیار مهم و قابل تأمل است. ببینید در سیره‌ی رفتاری هم توصیه شده شما در برخورد با مردم... این الزاماً ارتباطی با صحبت ندارد، در تعامل با مردم، در برخورد با مردم، اموری را رعایت کنید. من ابتدائاً روایتی را از امیر المؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه خدمت شما عرض می‌کنم، نامه‌ی ۷۶ که به صورت کلی در ارتباط با رفتار با مردم است. «سَعِ النَّاسَ بِوَجْهِكَ وَ مَجْلِسِكَ وَ حُكْمِكَ وَ إِيَّاكَ وَ الْعَصَبِ فَإِنَّهُ طَيَّرَهُ مِنَ الشَّيْطَانِ»^۱ در نشست‌های خود با مردم، مجلس، در قضاوت کردن و در برخورد با مردم با چهره‌ی گشاده... سه محور، یکی نشست و برخاست، یکی قضاوت، یکی برخورد، با چهره‌ی گشاده با مردم برخورد کن و از خشم و غضب پرهیز که تیری از جانب شیطان است.

- رفق و مدارا:

چند مورد از محورهای مهم مربوط به اخلاق رفتاری را عرض می‌کنم. ببینید مردمی که در اطراف ما هستند از نظر هماهنگی با اقوال و افکار ما سه دسته هستند، گاهی موافق هستند. من طرفدار فلان حزب هستم او هم هست، من طرفدار فلان تیم هستم او هم هست، از نظر سیاسی من اصول‌گرا هستم، اصلاح طلب هستم، تندرو هستم، او هم که کنار من است مثل من است. این‌جا خیلی تنش ایجاد نمی‌شود. گاهی بی‌بار است، می‌گوید من اصلاً کاری ندارم، من با همه‌ی اقشار کنار می‌آیم، جهت‌گیری تیمی، سیاسی، حزبی ندارم. گاهی مخالف است، شما طرفدار الف هستید ایشان طرفدار ب است، شما به زید رأی داده‌اید او به عمرو رأی داده است. در بخش سوم بیشتر درگیری ایجاد می‌شود، بیشتر اختلاف ایجاد می‌شود. این یک نکته.

نکته‌ی دیگر این است که یک سری اصول است بین این سه قشر نباید فرق گذاشت، یعنی کسی که موافق من است، کسی که بی‌بار است، کسی که مخالف است. در این امور که عرض می‌کنم نباید قائل به تبعیض شد، باید یکسان برخورد کرد، بگویند ایشان چون موافق است من با او انصاف به خرج می‌دهم، ایشان که مخالف است من انصاف به خرج نمی‌دهم. این اموری که من عرض می‌کنم مربوط به عموم مردم است، مخاطبانی که در کنار ما هستند، در کوچه، در خیابان. بحث ما بحث منافق و کافر هم نیست، شاید شما بگویند آن‌جا قرآن می‌فرماید غلیظ باش، محکم باش، برای منافقین طلب مغفرت نکن. الآن بحث ما عموم مردم هستند.

چه باید کرد؟ ۱- رفق و مدارا. فرق رفق با مدارا چیست؟ چون در روایات داریم رسول خدا می‌فرماید: «أَمْرِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمْرِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ»^۲ همان‌طور که خدا به من حکم کرد واجبات را انجام بدهم، نماز، روزه، حج، همان‌طور به من فرمان داد با مردم مدارا کنم. بعضی می‌گویند رفق مربوط به عموم مردم است و مدارا مربوط به دشمن است.

آسایش دو کیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا

اما به نظر می‌رسد فرق رفق و مدارا در این باشد که رفق یعنی همراه شدن، دوست شدن، راه آمدن با مردم. این برای همه است، طرف می‌خواهد با شما برخورد منفی داشته باشد می‌خواهد نداشته باشد. شما به ناوایی می‌روید، به بقالی می‌روید، با پسر

۱- نهج البلاغه، ص ۴۶۵.

۲- الکافی، ج ۲، ص ۱۱۷.

خود، با همسر خود، با همسایه‌ی خود حالت نرم‌خویی داشته باشید، خشن نباشید، این رفق است. اما مدارا آن جا است که افکار مخالف مقابل انسان می‌آید، کسی چیزی می‌گوید، تندی می‌کند، برخورد می‌شود، تصادف پیش می‌آید، ناسزا می‌گوید. لذا به نظر می‌رسد رفق اعم از مدارا است، رفق همه جا است ولی مدارا در جایی است که یک تنش ایجاد شده، شما باید با مدارا آن امر را پیش ببرید.

یکی از اخلاق انبیا رفق و مدارا است، رفق و مدارا همان‌طور که اشاره کردیم نرم‌خویی است، راه آمدن است، مطالب کوچک را بزرگ نکردن است، بزرگ نمایی نکردن است. به عبارت دیگر آتش را برافروخته‌تر نکردن است، آب روی آتش اختلافات نریختن است. این یکی از اموری است که در برخورد با عموم مردم باید رعایت شود.

- انصاف:

دوم انصاف است، انصاف هم خیلی مهم است. انصاف غیر از عدل است، عدالت یعنی هر چیزی در جای خود، بیشتر هم در امور حکم کردن و تصمیم‌گیری است. مثال عرض می‌کنیم، الآن یک کلاسی ۴۰ دانش‌آموز دارد، آزمون گرفتیم یکی ۲۰ شده یکی ۱۲ شده، عدالت این است که ۲۰ را ۲۰ بدهیم، ۱۲ را ۱۲ بدهیم. نمی‌شود همه را ۲۰ یا ۱۵ یا ۱۸ بدهیم. عدالت یعنی هر کسی به اندازه‌ی توانمندی خود نمره بگیرد.

اما یک جعبه‌ی بیسکویت آورده‌اند، می‌گویند در این کلاس تقسیم کنید، این را به همه یکسان می‌دهیم، ۱۲ و ۲۰ نداریم، گرسنه هستید، زنگ تفریح است، به همه به یک اندازه می‌دهیم. به این انصاف می‌گویند. انصاف از نصف می‌آید، یعنی تقسیم مساوی. حضرت امیر می‌خواهد بیت المال را تقسیم کند، به نماز شب خوان بیشتر بدهد، به نماز صبح خوان بیشتر بدهد، به کسی که نماز او قضا می‌شود کمتر بدهد؟ خیر، چه فرقی می‌کند؟ خواهر حضرت امیرام هانی آمد، آقا ۳۰ درهم به او داد، یک زن عجم هم آمد آقا ۳۰ درهم به او داد. ام هانی گفت: من خواهر خلیفه هستم، این یک زن عجم است، من عرب هستم، من از خاندان ابوطالب و بنی هاشم هستم. آقا فرمودند: هیچ امتیازی برای این‌ها که شما می‌گویید در قرآن وجود ندارد.

عدالت، شما می‌خواهید قاضی بگذارید عدالت می‌خواهد. اما انصاف می‌گوید شما جلسه دارید، سخنران هستید، به همه یکسان نگاه کنید. این آقا را بیشتر دوست دارم بیشتر نگاه می‌کنم، نه، در نگاه انصاف، در برخورد انصاف. سه نوع انصاف داریم، در روایت انصاف با خدا داریم. بی‌انصافی است کسی نعمت خدا را بخورد گناه کند، نمازی که برای خدا است به قصد ریا بخواند. انصاف با خود داریم، در روایت داریم با خودت هم انصاف داشته باش. بی‌انصافی است این اعضای خود را به جهنم ببری، بی‌انصافی است با این اعضا گناه کنی. انصاف با مردم، این هم یکی دیگر از نکات مهم است. یک وقت امام حسن و امام حسین خط نوشته بودند، پیغمبر اکرم به حضرت زهرا که می‌خواست نظر بدهد فرمود: مواظب باش انصاف را رعایت کنی. لذا در برخورد با بچه‌ها هم باید انصاف باشد، ممکن است انسان یکی را بیشتر دوست داشته باشد، ولی اگر قرار است خانه بخری برای هر دو بخر، ماشین می‌خری برای هر دو بخر. این هم در بحث رفتار که لازمه‌ی این بحث همان بحث عدم تبعیض است، فرق قائل نشدن در اموری که عمومی است، مثال زدیم.

- **صداقت و امانت‌داری:** نکته‌ی دیگری که توصیه شده و این نکته را قدری توضیح می‌دهم امانت‌داری است. در کافی شریف مرحوم کلینی بابی به نام «باب الصدق الحدیث و اداء الامانة» دارد. خوب دقت بفرمایید، این دو در روایات غالباً با هم آمده:

صداقت، امانت. به نظر می‌رسد دو صفت مبنایی در حوزه‌ی اخلاق است. لذا فرمود: خدا هیچ پیغمبری را مبعوث نکرد مگر به این دو ویژگی، «لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۱، این دو مورد خیلی مهم است. یک روایت در سفینه البحار است، امام صادق فرمود: «فَإِنَّ عَلِيًّا إِنَّمَا بَلَغَ مَا بَلَغَ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ) بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ»^۲، اگر به جایی رسید، پیش پیغمبر جایگاهی پیدا کرد که جان پیغمبر شد به خاطر دو صفت بود: یکی صداقت، یکی امانت‌داری. در میان امور رفتاری که باید عرض کنیم من روی امانت‌داری خیلی تأکید دارم. امانت هم سه نوع است، گاهی مادی است. پیش شما کلید خانه را گذاشته، به شما ماشین سپرده است. فرق امانت با عاریه این است که در عاریه شما تصرف می‌کنید و برمی‌گردانید، این وسیله را از کسی به عاریه گرفته‌اید استفاده می‌کنید، سالم برمی‌گردانید. اما امانت آن مالی است که به انسان می‌دهند تصرف در آن ممنوع است، باید آن را حفظ کنید و برگردانید. قرآن کریم در سوره‌ی نساء می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^۳، مردم، خدا فرمان داده امانت را به اهل آن برگردانید.

گاهی امانت امانت مادی نیست، مثلاً راز مردم امانت است، مسئولیت امانت است. «وَ إِنْ عَمَلَكَ لَيْسَ لَكَ بِطُعْمَةٍ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكَ أَمَانَةٌ»^۴، در نهج البلاغه‌ی حضرت امیر است. گاهی امانت معنوی است، حضرت امیر وقت نماز می‌شد می‌فرمود: وقت ادای امانت رسید. امام معصوم، «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ»^۵، امانت است، مسجد امانت است، خون شهدا امانت است. به هر حال به این نکته توجه شود که یکی از نکات مهم در برخورد و رفتار امانت‌داری است. امانت‌داری اصل بین المللی است. حدیث داریم سه چیز است که احدی حق ندارد به آن خیانت کند، «ثَلَاثَةٌ لَيْسَ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةٌ الْوَفَاءُ لِمُسْلِمٍ كَانَ أَوْ كَافِرٍ وَ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ مُسْلِمِينَ كَانَا أَوْ كَافِرَيْنِ وَ أَدَاءُ الْأَمَانَةِ لِمُسْلِمٍ كَانَ أَوْ كَافِرٍ»^۶، سه چیز است که هیچ کس اجازه ندارد تخلف کند. «بِرُّ الْوَالِدَيْنِ»، یکی رسیدگی به پدر و مادر است. «الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ»، وفای به عهد و سوم «أَدَاءُ الْأَمَانَةِ»، امانت‌داری است. البته موارد دیگری هم در بحث رفتار وجود دارد، یکی همان‌طور که اشاره شد وفای به عهد است. «لَا إِيمَانَ... لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ»^۷، هر کس وفای به عهد ندارد ایمان ندارد. در سوره‌ی مؤمنون، در جاهای متعدّد در قرآن، امانت‌داری و وفای به عهد کنار هم آمده است. وفای به عهد هم سه نوع است، وفای به عهد با خدا، «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ»^۸، این وفای به عهد با خدا است. وفای به عهد با امام معصوم، وفای به عهد با عموم مردم. شما سیره‌ی معصومین ما را در محورهایی که گفتم ببینید، چقدر اهمیت دارد. امام سجّاد فرمود: قاتل پدر من شمشیری که با آن پدر من را کشته پیش من امانت بگذارد من به آن امانت خیانت نمی‌کنم. با این‌که با این شمشیر پدر من را کشته ولی امانت است، آن را حفظ می‌کنم. در مورد وفای به عهد مکرر شما در سیره‌ی معصومین ببینید، اگر قول می‌دادند، اگر وعده می‌دادند، چقدر محکم پای آن می‌ایستادند. این‌ها نکات مهمی است که در رفتار با مردم باید باشد. بحث خود را جمع می‌کنیم، در مجموع سیره‌ی معصومین در ارتباط با عموم مردم را در دو محور گفتاری و رفتاری عرض کردیم. البته فرصت بیان بعضی از محورها در بحث رفتاری مثل خدمت‌رسانی، مثل اصلاح بین مردم، مثل مروّت، مثل حسن گفتار، حسن خلق نشد، إن شاء الله خود عزیزان ملاحظه خواهند کرد.

۵- کامل الزیارات، ص ۳۹.

۶- مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۱

۷- بحار الأنوار، ج ۶۹، ص ۱۹۸.

۸- سوره‌ی احزاب، آیه ۲۳.

۱- الکافی، ج ۲، ص ۱۰۴.

۲- سفینه البحار، ج ۶، ص ۴۱.

۳- سوره‌ی نساء، آیه ۵۸.

۴- نهج البلاغه، ص ۳۶۶.